

واکاوی مفهوم برنامه درسی

پوریا ربیعی فارسیجانی^۱

صص ۱۷-۴۲

چکیده

هدف از این مطالعه بررسی ابعاد چندگانه مفهوم برنامه درسی، تعریف ویژگی‌های و کارکردهای آن و درنهایت ارائه یک تعریف مفهومی از برنامه ریزی می‌باشد. برای مشخص کردن ویژگی‌های تعریفی مفهوم برنامه درسی از روش هشت مرحله‌ای تحلیل مفهوم واکر و آوانت (۲۰۱۱) استفاده شد. حاصل جستجوی پایگاه داده‌های انگلیسی ERIC با کلید واژه curriculum و پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (IranDOC) و بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran) و پایگاه دیجیتال اداره کتابخانه سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی با کلید واژه برنامه درسی بدون محدودیت زمانی بود. بر اساس یافته‌ها برنامه، برنامه ریزی و برنامه درسی تعریف شد و ابعاد آن در یک مدل با سه سطح ماکرو، مزو و میکرو مشخص شد.

کلیدواژه‌ها: واکاوی مفهوم، برنامه ریزی درسی، سطوح کاربرد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

برنامه درسی به مجموعه فرصت‌های نظام‌مند و طرح‌ریزی شده (از سطح ملی، منطقه‌ای و محلی تا مدرسه و کلاس درس با طیف مخاطبان بسیار گسترده و فراگیر تا بسیار محدود) و نتایج مترتب بر آن‌ها اطلاق می‌شود که متریبان برای کسب شایستگی‌های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت بر اساس نظام معیار اسلامی در معرض آن‌ها قرار می‌گیرند تا با تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش مرتبه قابل قبولی از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد را به دست آورند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). هسته اصلی نظام تعلیم و تربیت برنامه‌های درسی است. برنامه‌های درسی و نظریات در زمینه آموزش و پرورش از جمله عوامل و عناصری است که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزشی نقش بسزایی دارد (نوروز زاده و همکاران، ۱۳۸۵).

برنامه درسی به‌عنوان موضوع مطالعاتی، تاریخ طولانی دارد و پیشینه تاریخ برنامه درسی از مؤلفه‌های اساسی نظام‌های تعلیم و تربیت دارای تاریخی به ازای تاریخ ثبت‌شده برای تعلیم و تربیت است و این دو از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. ولی برنامه‌ریزی درسی به‌عنوان یک‌رشته دانشگاهی قدمت چندانی ندارد. به عقیده بیشتر صاحب‌نظران و مورخان برنامه درسی در دانشگاه تربیت‌معلم کلمبیا به‌عنوان گروه آموزشی، برنامه درسی و آموزش تأسیس گردیده است. در ایران نیز این رشته به‌عنوان یک‌رشته دانشگاهی قدمت چندانی ندارد. با انتشار و ترجمه کتاب برونر در سال ۱۳۷۴ و ترجمه کتاب تایلر در سال ۱۳۵۱ برنامه‌ریزی درسی به‌عنوان یک‌رشته دانشگاهی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا تأسیس گردیده است. برنامه درسی که آغاز رسمی آن پیرامون برنامه درسی به‌عنوان یک حوزه علمی به سال‌های بعد از جنگ جهانی اول به سال ۱۹۱۸ و کتاب باییت بازمی‌گردد (جکسون، ۱۹۹۲) در فاصله نزدیک به یک قرن تبدیل به یکی از حوزه‌های پویای دانش بشری شده به‌نحوی که تنوع دیدگاه‌ها و ظرفیت پژوهشی و علمی آن بسیاری را در حوزه تعلیم و تربیت تحت تأثیر قرار داده است (پاینار^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). هرچند مفهوم برنامه درسی در متون قدیمی کاربرد داشته است (مارش^۳ و ویلیس^۴، ۲۰۰۷) اما شروع آن به‌عنوان یک حوزه علمی به اوایل قرن بیستم بازمی‌گردد.

در سال‌های بعد درس و دپارتمان برنامه درسی در دانشگاه‌ها (سال ۱۹۳۷ کالج تربیت‌معلم دانشگاه کلمبیا) شکل گرفت (جکسون، ۱۹۹۲) و زمینه‌های حرفه‌ای و شغلی در آن پدیدار شد. موریس^۵ (۲۰۱۰) می‌گوید شاید بتوان آغاز بحث‌های حرفه‌ای در مورد برنامه درسی را سال ۱۹۴۴ دانست که کازول از همکارانش خواست تا در مورد حیطة فعالیتش اظهار نظر کنند. بررسی مستندات علمی حوزه برنامه درسی نشان می‌دهد موضوع فعالیت‌های شغلی یکی از مباحث جدی در بین دانشمندان بوده است و کسانی مانند باییت، تایلر، تابا، شواب، جکسون، پاینار، هیوبنر، واکر^۶، اولیوا^۷، اورنشتاین، لوین، گلاثورن^۸ و دیگران در مورد آن اندیشیده و بحث کرده‌اند. (مهر محمدی، ۱۳۹۷)

² Jackson, P

³ Pinar, W

⁴ Marsh, C

⁵ Willis, G

⁶ Morris, R

⁷ Heubner

⁸ Walker, D

⁹ Oliva, p.

¹ Glatthorn, A.

جدول ۱- دوره‌های تحول برنامه‌ریزی درسی در ایران با دامنه زمانی و نام آن‌ها (موسی پور، ۱۳۸۷)

دوره آشنایی	اطلاع ایرانیان از نظام آموزشی اروپا و برنامه‌ریزی درسی آن	از ۱۳۳۰ تا ۱۳۹۰ ش
دوره عمل‌گرایی	اقدام به برنامه‌ریزی درسی بدون دسترسی به دانش لازم	از ۱۳۹۰ تا ۱۳۴۰ ش
دوره تکوین هویت علمی	ایجاد نظام برنامه‌ریزی درسی و انتقال دانش	از ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۵ ش
دوره تحکیم پایه‌های هویتی	تربیت متخصص و توسعه خدمات علمی	از ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ ش
دوره نقش‌آفرینی	تولید دانش	از ۱۳۸۵ به بعد

روش‌شناسی تحقیق

واکاوی مفهوم^۱ شامل تحلیل یک واژه، معنا و کاربرد آن است. مفاهیم ایستا و ساکن نیستند بلکه در طول زمان تکامل پیدا می‌کنند و از منظر دانش، زمینه‌ها و کاربرد تغییر می‌کنند (گارنت و همکاران^۲، ۲۰۱۸). انجام پژوهش‌های واکاوی مفهوم یک فرآیند با ارزش است که مفهوم، رشد و توسعه آن و تعاریف عملیاتی را روشن می‌کند و ابزار پیشرفت در پژوهش‌های بیشتر است (واکر و آوانت^۳، ۲۰۱۱). در واکاوی مفهوم از مرور ادبیات پژوهشی استفاده می‌شود (چین و کرامر، ۱۹۸۳).

این پژوهش یک مطالعه مروری است که در آن از روش تحلیل مفهوم واکر و آوانت (۲۰۱۱) برای بررسی ابعاد چندگانه مفهوم برنامه درسی استفاده شده رویکرد واکر و آوانت یکی از روش‌های مفهوم‌پردازی و تکامل مفهوم است که نهایتاً به تدوین نظریه می‌انجامد. در این رویکرد، فرآیند تحلیل یک مفهوم برای رسیدن به درک بهتر صورت می‌گیرد. این روش ۸ مرحله ای است ۱- انتخاب یک مفهوم ۲- تعیین هدف تحلیل ۳- توجه به کاربردهای مفهوم ۴- تعیین ویژگی‌های تعیین شده ۵- تعریف یک مدل ۶- تعیین حد و مرز، لغات وابسته، متضاد، ابداعی و نامرتبط ۷- تعیین واژگان پیشین و پسین ۸- تعیین ارجاعات تجربی مفهوم است (پریرا و همکاران^۴، ۲۰۱۹). در این مقاله به منظور اختصار فقط به ارائه مدل اکتفا می‌شود.

¹ concept analysis

1

¹ Anna Garnett, Jenny Ploeg, ²Maureen Markle-Reid, , and Patricia H. Strachan,

¹ Walker & Avant

3

¹ Perreira, T. A., Perrier, L., Pfookopy, M., Neves-Mera, L., & Persaud, D. D.





پایگاه داده های آنلاین به عنوان روش اصلی جستجو مرور متون استفاده شدو حاصل جستجوی پایگاه داده های انگلیسی ERIC با کلید واژه curriculum و پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (IranDOC) و بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran) و پایگاه دیجیتال اداره کتابخانه سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی با کلید واژه برنامه درسی در عنوان، خلاصه و کلید واژه های منابع بدون محدودیت زمانی جستجو شدند معیارهای ورود مقالات برای تحلیل شامل مطالعه درباره برنامه درسی نوشته شده باشد؛ حاوی یک تعریف از برنامه درسی باشد و یا برنامه درسی را به طور کلی توصیف کرده باشد؛ در مجموع ۶۰ منبع در جستجوی یافت شد. ۴۵ منبع بعد از بررسی عنوان حذف شدند و در مجموع، ۱۵ منبع برای بررسی انتخاب شدند. که بر اساس یک نقشه مفهومی ابتدا برنامه، برنامه ریزی و انواع آن و برنامه ریزی درسی و تعاریف ارائه گردید و در سه سطح به عنوان مدل معرفی شد.

برنامه

تعریف برنامه در دیکشنری کمبریج^۵، به مجموعه تصمیم‌ها برای چگونگی انجام کارها در آینده گفته می‌شود؛ و در دیکشنری وبستر^۶، برنامه قصد ذهنی انجام کار، روش دستیابی به پایان کار، روش مرسوم فرآیند انجام کار، بیان شده است. همچنین در فرهنگ لغات تجاری^۷ برنامه شرح مکتوب اقدام (برنامه) آینده که باهدف دستیابی به هدف (ها) یا مقصد (های) خاص در یک بازه زمانی خاص در نظر گرفته شده است. برنامه به تفصیل توضیح می‌دهد که چه کاری، چه موقع، چگونه و توسط چه کسی باید انجام شود و اغلب شامل بهترین و بدترین حالت، مورد انتظار است؛ و در *دانشنامه ویکی‌پدیا*^۸ این گونه توصیف شده است: معمولاً برنامه، نمودار یا فهرستی از مراحل با جزئیات زمان‌بندی و منابع است که برای دستیابی به یک هدف برای انجام کاری استفاده می‌شود. این امر معمولاً به عنوان یک مجموعه اقدامات قصد شده در نظر گرفته می‌شود که از طریق آن شخص انتظار دستیابی به یک هدف را دارد.

برنامه‌ها مجموعه‌هایی از هدف‌ها، خط‌مشی‌ها، روش‌های انجام کار، دستورها، کارهای ویژه، گام‌هایی که باید برداشته شود، منابعی که باید به کار بسته شود و دیگر عناصر لازم برای اجرای یک کنش شناخته‌شده و معلوم هستند. برنامه‌ها به گونه معمول و با بودجه و اعتبار پشتیبانی می‌شوند. (سازمان توسعه تجارت، ۱۳۹۳)

چندان^۹ ویژگی‌های یک برنامه خوب را بدین گونه بیان داشته است.

۱. هدف‌های برنامه باید روشن، مشخص و قابل فهم باشد.

۲. یک برنامه خوب باید ساده و جامع باشد.

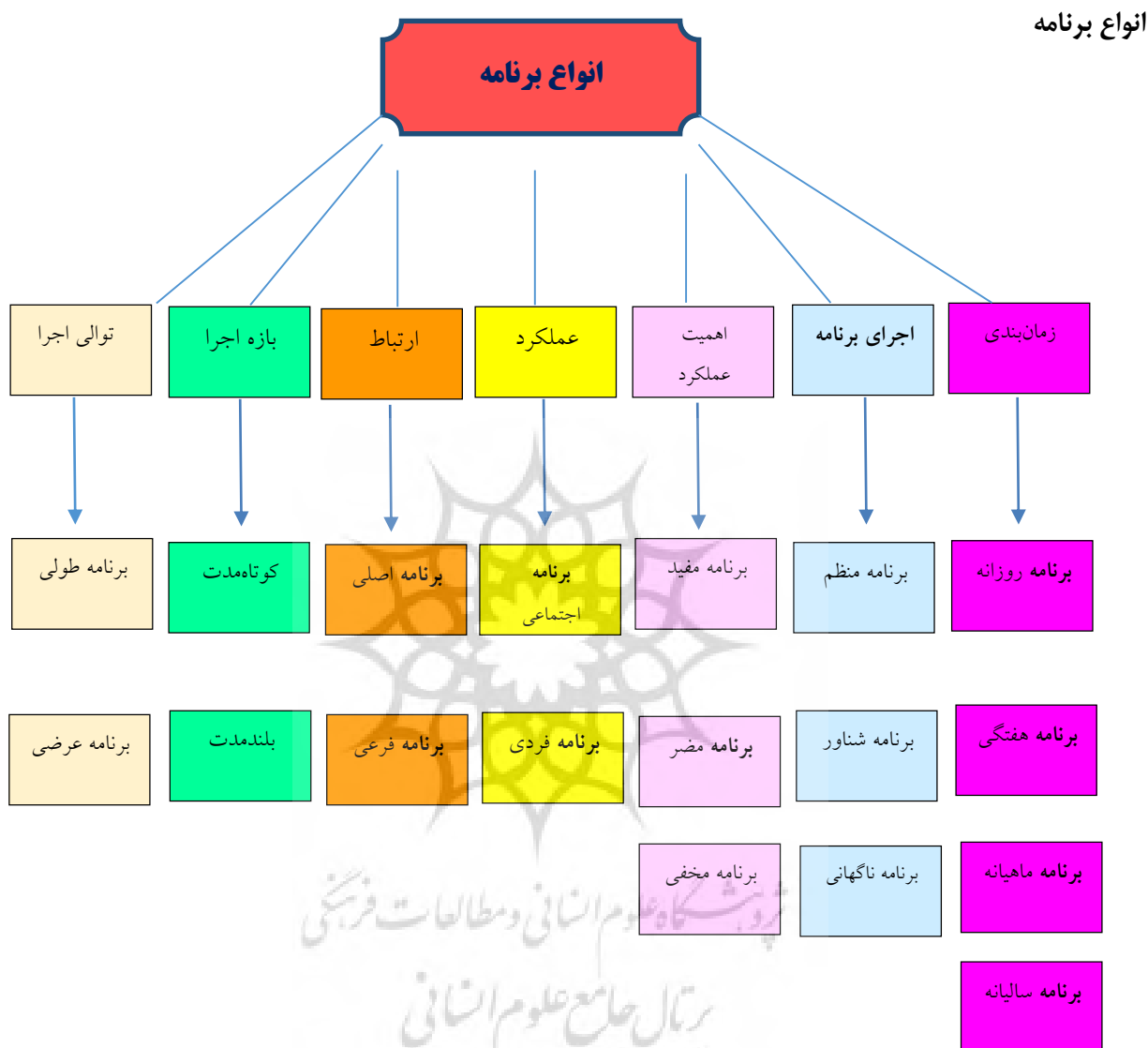
۳. برنامه باید کاملاً متعادل و درعین‌حال قابل انعطاف باشد.

۴. هر برنامه باید دارای محدودیت زمانی باشد. (ایران نژاد پاریزی و ساسان گهر، ۱۳۹۰).

برنامه جامع ملی کشوری و دولتی است که اهداف و وظایف بخش‌های عمرانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تعیین می‌کند.

برنامه جامع را برحسب کلی بودن، نظری بودن قلمرو و درازمدت بودن آن برنامه استراتژیک نامیده‌اند. هر برنامه جامع کشوری شامل یک یا چند برنامه عملیاتی است. برنامه عملیاتی از نظر زمانی به سه دوره کوتاه‌مدت (یک تا دو سال)، میان‌مدت (۳ تا ۸ سال) و بلندمدت (۱۰ تا ۲۵ سال) تقسیم می‌شود. برنامه عملیاتی از نظر ابعاد جغرافیایی به روستایی، شهری، استانی، ناحیه‌ای، کشوری، منطقه‌ای، جهانی تقسیم می‌شود. برنامه عملیاتی از نظر موضوعی به عمرانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طبقه‌بندی شده‌اند. بنابراین هر برنامه‌ای شامل فعالیت‌های اجرایی یا فکری است که در جهت رفع نیازها و رسیدن به مقصد موردنظر لحاظ می‌شود. (آیت الهی، ۱۳۷۷).

1 cambridge	5
1 webster	6
1 businessdictionary	7
1 wikipedia	8
1 chendan	9



نمودار ۱-۱- انواع برنامه (اخوت و شهیدزاده، ۱۳۹۰)

برنامه‌ها از جهت ارتباط با یکدیگر و توالی اجرا به دودسته طولی و عرضی تقسیم می‌شوند: به آن دسته از برنامه‌ها که امکان جمع شدن باهم را دارند برنامه‌های طولی می‌گوییم. از ویژگی این برنامه‌ها زمان بر این برنامه‌ها مرتب نبوده و انجام هم زمان و موازی آن‌ها خللی در عملی ساختن آن‌ها ایجاد نمی‌کند و می‌توان به طور هم زمان آن‌ها را به مرحله اجرا درآورد. به دلیل نداشتن محدودیت در اجرای هم زمان آن‌ها دارای اولویت نیستند. برنامه‌های عرضی باید بر اساس اولویت بندی به اجرا برسند زیرا انجام یکی به معنای ترک برنامه دیگر است و وابسته به عنصر زمان و شرایط هستند. برنامه‌ها از جهت اجرای برنامه به منظم، شناور و ناگهانی تقسیم می‌شوند:

الف) برنامه‌های منظم: زمان شروع و ثمر دهی آن‌ها تا حدودی مشخص و قابل پیش‌بینی است. نظم در انجام این برنامه‌ها باعث انجام به‌موقع، سریع‌تر و بهتر آن‌ها می‌شود. ب) برنامه‌های شناور: موقعیت‌های پیش‌بینی نشده، کارهایی که در برنامه فرد لحاظ نشده و موقعیت‌های طلایی و مهمی که برای انسان پیش می‌آید. ج) برنامه‌های ناگهانی: برخی از برنامه‌ها در فهرست برنامه‌های فرد قرار ندارد و به ناگاه در مسیر زندگی‌اش قرار می‌گیرد. برنامه‌هایی که ناخواسته و ناگزیر از انجام دادن آن است و اغلب همراه با کراهت و ناخوشی است. (اخوت و شهیدزاده، ۱۳۹۰).

برنامه‌ها از جهت بازه اجرا به الف) کوتاه‌مدت: مدت‌زمان به نتیجه رسیدن اندک است. ب) بلندمدت: برای به نتیجه رسیدن برنامه‌ها به زمان طولانی‌تر نیاز است.

برنامه‌ها از جهت ارتباط با زندگی فرد

الف) **برنامه‌های اصلی:** ارتباط مستقیم با زندگی فرد دارد و محور اصلی برنامه‌های فرد است.

ب) **برنامه‌های فرعی:** ارتباط غیرمستقیم با زندگی فرد دارد و در حاشیه و اطراف برنامه‌های اصلی است.

اما تعارض و اختلافی با برنامه‌ای اصلی ندارد.

برنامه‌ها از جهت ساخت عملکرد

برنامه‌ها از جهت ساخت عملکرد شامل برنامه‌های اجتماعی و برنامه‌های فردی است:

الف) **برنامه‌ریزی اجتماعی:** برای اجرای برنامه حضور در جمع و جماعت لازم است و به‌منظور تقویت جنبه‌های اجتماعی انسان است.

ب) **برنامه فردی:** به نحوی به اجتماع مربوط است ولی بر جنبه‌های فرد تأکید دارد و برنامه‌ای که هر فرد برای خود در نظر می‌گیرد و جزء برنامه‌های ضروری ثابت زندگی هستند.

زمان‌بندی برنامه‌ها به‌صورت روزانه هفتگی ماهیانه سالیانه و مقدماتی است. برنامه‌های مقدماتی: برنامه‌ای که مقدمه رسیدن به مقاصد و برنامه‌های دیگر است ارزش این برنامه‌ها به مقاصد آن‌هاست. (اخوت و شهیدزاده، ۱۳۹۰)

مفهوم برنامه‌ریزی

به مجموعه فعالیت‌های منظمی که از تعیین هدف، شروع می‌شود و با انتخاب روش‌ها و وسایل متناسب باهدف ادامه پیدا می‌کند و سپس به اجرا در می‌آید و ارزشیابی می‌گردد برنامه‌ریزی گفته می‌شود. به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی برای دست‌یابی به هدف معین است. (ملکی، ۱۳۹۳)

فرآیند نظام‌مند و تدابیر آگاهانه تعیین اهداف و تدارک مجموعه‌ای از اقدامات، فعالیت‌ها و تلاش‌های هوشمندانه، یافتن مسیر یا مناسب‌ترین روش و ساختن راه‌ها که با شناسایی وضع موجود و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و ترسیم وضعیت مطلوب (هدف)، چگونگی رسیدن به اهداف مطلوب را بر اساس امکانات، وسایل، منابع و مدت‌زمان معین، ممکن می‌سازد. از جنبه ماهیت، برنامه‌ریزی دارای انواع فیزیکی، سازمانی، فرآیندی، مالی، وظیفه‌ای و عمومی و از جنبه افق زمانی، در قالب کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت قابل دسته‌بندی است (نویزاده‌م و همکاران، ۱۳۹۳).

برنامه‌ریزی یا طرح‌ریزی یعنی از پیش اندیشیدن، متخصصین از زوایای متعدد برای برنامه‌ریزی تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند که برخی از آن‌ها از این قرار است: تعیین هدف، یافتن و ساختن راه وصول به آن، تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه کارهایی باید انجام گیرد، تجسم و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن و ساختن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم کند، طراحی عملیاتی که شیئی یا موضوعی را بر مبنای شیوه‌ای که از پیش تعریف شده، تغییر بدهد فرایند تفکر قبل از عمل (فیضی، ۱۳۹۲).

برنامه‌ریزی در واقع به آن دسته از اقداماتی اطلاق می‌شود که مشتمل بر پیش‌بینی هدف‌ها و اقدامات لازم برای رویارویی با تغییرات و مواجه‌شدن با عوامل نامطمئن، از طریق تنظیم عملیات آینده است (ایران‌نژاد پاریزی و ساسان‌گهر، ۱۳۹۰).

برنامه‌ریزی عبارت است از تهیه و توزیع و تخصیص عوامل و وسایل محدود برای رسیدن به هدف‌های مطلوب در حداقل زمان و با حداقل هزینه ممکن (دسلر، ۱۳۸۹).

برنامه‌ریزی یعنی نقشه کشیدن، نقشه کشیدن برای نیل به مقصد، نقشه کشیدن برای دستیابی به خواسته‌ها. نقشه کشیدن برای آینده و پیش‌بینی راه دستیابی به آن؛ برنامه‌ریزی، راهی است برای هدایت حساب شده فعالیت انسان به سوی منظور مشخص. برنامه‌ریزی، فرایندی است دورنگر برای جهت دادن منطقی به فعالیت‌های جمعی، فرایندی است مداوم، حساب‌شده و منطقی، جهت‌دار و درون‌نگر، به منظور ارشاد و هدایت فعالیت‌های جمعی برای رسیدن به هدف مطلوب است. (فیوضات، ۱۳۸۸).

برنامه‌ریزی واژه‌ای مرکب از برنامه و مصدر ریختن است. به جای برنامه ریختن از واژه برنامه‌ریزی که آسانی تلفظ دارد، استفاده شده است؛ بنابراین در مفهوم کلی، برنامه‌ریزی به کاری اطلاق می‌شود که افراد برای اموری خاص و برای رسیدن به هدفی مشخص، اقدام به طرح‌سازی می‌نمایند. این طرح که در آن زمان، مکان، امکانات و منابع در آن دیده شده است، برنامه‌ریزی گفته می‌شود (پروند، ۱۳۸۸).

برنامه‌ریزی، فرایند تفکر در رابطه با فعالیت‌های لازم برای رسیدن به هدف مطلوب است. برنامه‌ریزی اولین و مهم‌ترین فعالیت لازم برای دستیابی به نتایج مطلوب است. بسته به فعالیت‌ها، هر برنامه می‌تواند که بلندمدت، میان‌مدت یا کوتاه‌مدت باشد. برنامه‌ریزی، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین و آسان‌ترین سند برای رشد است. برنامه‌ریزی می‌تواند، نقش مهمی در کمک به جلوگیری از اشتباهات یا تشخیص فرصت‌های پنهان بازی کند. برنامه‌ریزی به پیش‌بینی آینده و ساختن آینده تا حدودی قابل‌تصور کمک می‌کند. آن پلی است بین آنجایی که هستیم و آنجایی که می‌خواهیم برویم. برنامه‌ریزی به آینده می‌نگرد (محمدی، ۱۳۸۶).

در تعاریفی که از برنامه‌ریزی به وسیله پژوهشگران مختلف ارائه شده است، سه ویژگی عمده به چشم می‌خورد که عبارتند از:

- ۱- برنامه‌ریزی ماهیتاً با پیش‌بینی همراه است و اصولاً پیش‌ازاین که عملی انجام شود، باید نوع کار و چگونگی انجام آن را معلوم کرد.
 - ۲- برنامه‌ریزی یک نظام تصمیم‌گیری است که فرایند اتخاذ تصمیم نسبت به آنچه باید در آینده انجام شود و نیز تنظیم طرح‌های اجرایی برای دستیابی به هدف‌ها را دربرمی‌گیرد.
 - ۳- برنامه‌ریزی بر نتایج مطلوبی تأکید دارد که در آینده به دست می‌آید؛ به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی وسیله‌ای برای حصول اطمینان نسبت به تأمین هدف‌های عمده سازمانی در زمان موردنظر است (ایران‌نژاد پاریزی و ساسان‌گهر، ۱۳۹۰).
- در برنامه‌ریزی چند مفهوم، جریان و مداومت، ارشاد و هدایت، دورنگری و هدف‌گیری و تفکر و عقلانیت مستتر است.

مفهوم جریان و مداومت در برنامه‌ریزی: برنامه‌ریزی به نوشتن برنامه ختم نمی‌شود بلکه فرا گردی است که باید مداومت داشته باشد و با توجه به بازتاب نتایج فعالیت‌های انجام‌شده، یافته‌های جدید، تغییرات فناوری، پیشرفت دانش و معرفت دگرگونی منابع و امکانات و تحول اولویت‌ها، دائم ارزیابی‌شده و تکمیل گردد.

مفهوم ارشاد و هدایت در برنامه‌ریزی: برنامه‌ریزی متضمن ارشاد، هدایت و مداخله در فعالیت‌های جمعی است و به همین جهت بسته به چگونگی و میزان اعمال نفوذ اشکال گوناگون به خود می‌گیرد.

مفهوم دورنگری و هدف‌گیری در برنامه‌ریزی: برنامه‌ریزی فعالیتی جهت‌دار و دورنگر، بدین جهت بسته به چگونگی انتخاب هدف، ممکن است فعالیتی باشد آینده‌نگر، آینده‌ساز، یا آینده‌گزین.

- اگر هدف برنامه‌ریزی فقط پیش‌بینی آینده باشد، در این صورت فعالیتی است آینده‌نگر.

- اگر هدف برنامه‌ریزی ساختن و شکل دادن به آینده باشد، در این صورت فعالیتی است آینده‌ساز.

- اگر هدف برنامه‌ریزی انتخاب کردن بین اشکال مختلف آینده باشد، در این صورت فعالیتی است آینده‌گزین است.

مفهوم تفکر و عقلانیت در برنامه‌ریزی: برنامه‌ریزی، فعالیتی است حساب شده و منطقی، یعنی باید متکی به اطلاعات دقیق و صحیح باشد. نیازها و انتظارات را تشخیص دهد. محدودیت‌ها، تنگناها موانع و منابع موجود را محاسبه و پیش‌بینی کند و بر اساس آن‌ها طرح‌های واقع بینانه برای رسیدن به مقصود تنظیم و ارائه کند (فیوضات، ۱۳۸۸).

برنامه‌ریزی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و... برنامه‌ریزی آب

برنامه‌ریزی اجتماعی

از بعد از جنگ جهانی دوم، برنامه‌ریزی اجتماعی شکل گرفت. در نیمه دوم قرن بیستم نیز به دنبال تحولات اجتماعی، سیاسی و فکری که در کشورهای پیشرفته غربی روی داد، برنامه‌ریزی اجتماعی توانست از نظر مبانی و اصول و فنون و رویکردها، به پیشرفت شایان توجهی دست یابد. برنامه‌ریزی اجتماعی مجموعه‌ای از روش‌ها و فنون کاربردی برای طراحی طرح و نقشه اجتماعی، به سطح یک دانش متعالی میان رشته‌های علوم اجتماعی، اقتصادی ارتقاء یافته است. امروز تجارب برنامه‌ریزی اجتماعی در کشورهای جهان نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی اجتماعی بنا به ماهیت خویش، بیش از هر عامل دیگری، از شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر جامعه‌ای تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین روش‌ها و فنون، به‌خودی‌خود نقش تعیین‌کننده‌ای در عرصه برنامه‌ریزی ندارد از دیدگاه اندیشه‌ورزان اجتماعی امروز، برنامه‌ریزی اجتماعی یک سازوکار بوروکراتیک و دولتی نیست، بلکه یک سازوکار است که برای رشد آزادی، سلامت، آرامش، آسایش و حیثیت انسانی به دست مردم و در نهادهای مردمی (غیردولتی) صورت می‌گیرد و هدف راهبردی آن در جهت خودگردانی جوامع انسانی و به‌کارگیری اصول و مبانی عقلانیت در زندگی اجتماعی است. (حاج یوسفی، ۱۳۹۴)

برنامه‌ریزی فرهنگی

برنامه‌ریزی فرهنگی، اصطلاحی است که اگرچه در برخی کشورهای پیشرفته سالیان زیادی است مدنظر برنامه‌ریزان قرار گرفته است ولی در کشور ما سابقه چندان ندارد و مروری به جایگاه بخش فرهنگ در چند برنامه کلان اقتصادی - اجتماعی کشور که در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اجرا شده است صحت این ادعا را کاملاً روشن می‌کند. برنامه‌ریزی فرهنگی تنظیم روندی از پیش طراحی‌شده در رسیدن به اهداف

مشخص و زمان بندی شده فرهنگی مثل «فرهنگ» تعریف شده است. آنچه لزوم برنامه ریزی فرهنگی را ضروری می سازد، بهبود کمی و کیفی محصولات فرهنگی یا به اصطلاح، ساختارهای فرهنگ سازی جامعه و اصلاح ساختار جامعه است. برنامه ریزی فرهنگی به الگوی فرهنگی وابسته است و مدل فرهنگی نیز تلقی خاصی از معنای فرهنگ، سازوکار پیدایش و گسترش فرهنگ، تعامل فرهنگ با عوامل هم عرض جامعه، اهداف فرهنگی و امثال آن می باشد؛ بنابراین، برنامه ریزی فرهنگی الزامات و ضرورت های خاص خویش را داراست که عبارتند از:

۱. ضرورت توجه به فرهنگ و ساماندهی فرهنگی؛
۲. ضرورت و مفهوم برنامه ریزی فرهنگی (به عنوان معیار تصمیم گیری فرهنگی)؛
۳. ضرورت مدل فرهنگی برای برنامه ریزی فرهنگی؛
۴. ضرورت مدل اسلامی برای برنامه ریزی فرهنگی در نظام اسلامی (فیضی، ۱۳۹۲).

برنامه ریزی اقتصادی

برنامه ریزی مجموعه ای از تصمیماتی است که برای رسیدن به هدف یا اهداف خاصی گرفته می شود. برنامه ریزی مبتنی بر «نوعی از رفتار انسانی» است. با توجه به مفهوم برنامه ریزی می توان به این نتیجه رسید که برنامه ریزی مبتنی بر آن دسته از رفتار انسانی است که متکی بر آگاهی و اراده است. به بیان دیگر برنامه ریزی در قالب نوع چهارم رفتارهای انسانی می گنجد و چنانچه ماهیت رفتار فوق اقتصادی باشد، این برنامه ریزی را می توان برنامه ریزی اقتصادی دانست.

برنامه ریزی اقتصادی فرآیندی است که طی آن به صورت آگاهانه و ارادی برای حصول به اهداف مشخص اقتصادی مانند ایجاد تغییرات مطلوب در متغیرهای کلان اقتصادی مانند تولید ناخالص ملی، مصرف، پس انداز، سرمایه گذاری و... تصمیم گیری می شود. به عبارتی دیگر، هر برنامه اقتصادی در واقع مجموعه ای از عملیات اقتصادی را در بر می گیرد که به طور متمرکز آن ها را هماهنگ و در جهت دستیابی به اهداف مشخص اقتصادی جامعه، هدایت می کند.

در چند دهه گذشته، برنامه ریزی توسعه مالی به عنوان ابزار سیاستی برای توسعه اقتصادی - اجتماعی در کشورهای در حال توسعه رواج یافته است. همگام با افزایش شمار کشورهای دارای برنامه توسعه، انواع برنامه مانند برنامه ریزی اقتصادی دوران جنگ، برنامه ریزی ضد دورانی به منظور حفظ ثبات اقتصادی و برنامه ریزی ملی و بین المللی به وجود آمده است. به طور کلی با وجود نبود توافق بر روی طبیعت و نقش برنامه ریزی، مؤثر بود برنامه ریزی اقتصادی برای بهبود توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد پذیرش است.

برنامه ریزی اقتصادی بر دو نوع است:

الف - **برنامه ریزی دستوری** که از مشخصات اقتصاد متمرکز و مورد فرماندهی است (مثال: در کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق و کشورهای کمونیست).

ب - **برنامه ریزی ارشادی** که شامل هیچ قاعده ای اجباری برای بنگاه ها نمی شود (صادقی شاهدانی و قویدل، ۱۳۹۶).

برنامه‌ریزی توسعه

برنامه‌ریزی توسعه: نوعی برنامه‌ریزی کلان، حاوی مجموعه وسیعی از اهداف و سیاست‌های موردنظر برای توسعه اقتصادی، سیاسی علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور یا منطقه‌ای از یک کشور که به تأیید مرجع ذیصلاحی رسیده است (نوید ادهم و همکاران، ۱۳۹۳).

برنامه‌ریزی آموزش و پرورش

برنامه‌ریزی از جنبه ماهیت به برنامه‌ریزی فیزیکی، برنامه‌ریزی سازمانی، برنامه‌ریزی فرایند، برنامه‌ریزی مالی، برنامه‌ریزی وظیفه‌ای و برنامه‌ریزی عمومی دسته‌بندی می‌شوند که در اینجا منظور از برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی از نوع عمومی است. برنامه‌ریزی عمومی معمولاً تمام دیگر انواع برنامه‌ریزی را در خود دارد.

برنامه‌ریزی آموزش و پرورش در قالب برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام می‌گیرد.

بر اساس چنین روالی، طراحان برنامه‌ها، رهنمودها و الگوهایی را در اختیار تهیه‌کنندگان برنامه‌ها در بخش‌های مختلف قرار می‌دهند. برنامه توسعه آموزش و پرورش دارای این ویژگی‌ها است:

- مشخص بودن زمان اجرای برنامه (پنج یا هفت سال)
- مشخص بودن منابع مالی قابل اختصاص برای اجرای برنامه
- مشخص بودن هدف‌های کمی با استفاده از شاخص‌های دانش‌آموزی و ظرفیت کالبدی
- مشخص بودن سیاست‌های آموزشی و اجرایی که سمت‌گیری عملیات آموزشی و اجرایی در حین اجرای برنامه را معین می‌کند
- قرار گرفتن این برنامه در چارچوب برنامه کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (محسن پور، ۱۳۹۲)
- در کتاب یونسکو به نام برنامه‌ریزی آموزش و پرورش (۱۹۷۰) نوشته شده است:

برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، برداشتی منطقی و علمی برای حل مسائل آموزشی است. چنین برداشتی مشتمل بر تعیین هدف‌ها و منابع، بررسی شقوق مختلف عمل و انتخاب عاقلانه بین آن‌ها، تصمیم‌گیری در مورد هدف‌های مشخص در محدوده زمانی معین و ساز کردن بهترین تدابیر و وسایل برای تحقق بخشیدن منظم به تصمیمات مزبور است؛ بنابراین برنامه‌ریزی آموزش و پرورش به طرح‌ریزی و نوشته روی کاغذ ختم نمی‌شود بلکه فرا گردی است مداوم و مشتمل بر یک‌رشته عملیات مرتبط و وابسته به این شرح:

الف- روشن ساختن هدف‌ها

ب- شناسایی وضع کنونی و روند آن

ج- سنجیدن شقوق مختلف و انتخاب بهترین راه

د- پیاده کردن برنامه است

برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی آموزشی فرآیند شناسایی و تعیین هدف‌های مناسب، خواسته‌ها، انتظارات، محدودیت‌ها، نیازها و تجزیه و تحلیل منطقی عوامل مؤثر در نظام آموزش و پرورش و پیش‌بینی امکانات آموزشی لازم، اعم از مالی و مادی و انسانی، اطلاعات و دانش، وسایل و ابزارهای لازم یا سازمان‌دهی و اصلاح فعالیت‌ها و اتخاذ تدابیری راهبردی، تصمیم‌ها و اقدامات عملی برای افزایش کارایی و تحقق بهتر هدف‌ها و برآوردن نیازهای مزبور، طی یک دوره مشخص در آینده است. برنامه‌ریزی آموزشی تعاریف گوناگونی شده است که از برداشت‌های متفاوت صاحب‌نظران نسبت به مقوله برنامه‌ریزی آموزشی ناشی می‌شود. برخی برنامه‌ریزی آموزشی را آینده‌نگری و نقشه کشیدن برای آینده آموزش و پرورش می‌دانند. عده‌ای آن را پیش‌بینی نیازها و تخمین منابع برای تحقق اهداف از پیش تعیین‌شده تلقی می‌کنند. به عقیده گروهی دیگر برنامه‌ریزی آموزشی، یعنی تصمیم‌گیری درباره آینده آموزش و پرورش است. (فیوضات، ۱۳۸۸).

برنامه‌ریزی آموزشی فرآیند شناسایی و تعیین هدف‌های مناسب، خواسته‌ها، انتظارات، محدودیت‌ها، نیازها و تجزیه و تحلیل منطقی عوامل مؤثر در نظام آموزش و پرورش و پیش‌بینی امکانات آموزشی لازم، اعم از مالی و مادی و انسانی، اطلاعات و دانش، وسایل و ابزارهای لازم یا سازمان‌دهی و اصلاح فعالیت‌ها و اتخاذ تدابیری راهبردی، تصمیم‌ها و اقدامات عملی برای افزایش کارایی و تحقق بهتر هدف‌ها و برآوردن نیازهای مزبور، طی یک دوره مشخص در آینده است. (نوید ادهم و همکاران، ۱۳۹۳).

انواع برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی آموزشی از حیث هدف به دودسته تقسیم می‌شود که به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. **برنامه‌ریزی مبتنی بر تقاضای اجتماعی:** بر اساس این روش برنامه‌ریزی آموزشی به تقاضای اجتماعی و درخواست مردم برای توسعه‌ی آموزش و پرورش توجه می‌کنند. در واقع هدف در این نوع برنامه‌ریزی، حداکثر آموزش برای حداکثر مردم جامعه است.

۲. **برنامه‌ریزی مبتنی بر نیروی کار:** همکاری کلی و اصلی در این روش، تأمین نیروی انسانی در سطوح مختلف، برای بخش‌های مهم اقتصادی، صنعتی و... است که در برنامه توسعه پیش‌بینی می‌شود. این روش در خدمت برنامه‌های توسعه است؛ و در این روش برنامه‌ریزی باید مطابق با برنامه توسعه باشد (ویسی، ۱۳۸۳).

برنامه‌ریزی آموزش و پرورش در سه سطح است: ۱- سطح فراسوی کلان ۲- سطح کلان ۳- سطح خرد

سطح فراسوی کلان: در این سطح برنامه ریزان آموزشی همگام با سیاست‌گذاران و مدیران کشورها هدف‌های کلی آموزش و پرورش را در ارتباط با نیازهای نهادها و سازمان‌های دیگر جامعه تعیین می‌نمایند. هدف‌های کلی آموزش و پرورش بر اساس الگوی توسعه کشور تعیین می‌شوند. سطح فراسوی کلان حمل اتصال نظام آموزش با برنامه‌ریزی کلی توسعه جامعه است آنچه باید دانش‌آموزان به دست آورند و در جامعه به نیروی مفید و کارآمد تبدیل گردند در این سطح تعریف می‌شود و به همین دلیل نتیجه در این بازده نامیده می‌شود.

سطح کلان: در این سطح هدف‌های کلی آموزشی و پرورش به هدف‌های دوره‌های تحصیلی تجزیه می‌شود مواردی از قبیل اینکه چه بخشی از هدف‌های کلی در دوره ابتدایی و چه بخشی در دوره‌های دیگر تحقیق یابند و یا اینکه نیروی انسانی مورد نیاز چه شرایطی باید داشته باشند و چگونه تربیت شوند و از جمله تصمیماتی است که در سطح کلان برنامه‌ریزی اتخاذ می‌شوند. نتیجه در این «برونداد» نامیده می‌شوند.

سطح خرد: دانش‌آموزان برای رسیدن به هدف‌های یادگیری باید دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی کسب کنند. این موارد که ابعاد مختلف یادگیری را تشکیل می‌دهند. در این سطح تعیین می‌شوند. همچنین در مورد فرایند یاددهی - یادگیری، فرصت‌های یادگیری، شرایط موفقیت در دوره، چگونگی ارزشیابی و غیره در سطح خرد تصمیم‌گیری می‌شود (ملکی، ۱۳۹۲).

انواع برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش

انواع برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش طرح‌ریزی آموزش و پرورش، برنامه‌ریزی نیروی انسانی و برنامه‌ریزی درسی است:

۱. طرح‌ریزی آموزش و پرورش

طرح‌ریزی آموزش و پرورش به تهیه برنامه‌ای اطلاق می‌شود: که هدفی کاملاً مشخص و قابل اندازه‌گیری و ارزیابی داشته و محدوده زمانی اجرایی آن‌ها معلوم باشد. همچنین منابع مالی و انسانی و فنی مورد استفاده در برنامه‌ریزی به‌طور مشخص تعیین شده باشد. طرح تهیه کتاب‌های درسی، طرح مبارزه با بی‌سوادی، طرح تربیت معلم فنی و حرفه‌ای، طرح تربیت مشاوران دوره‌ی راهنمایی و غیره نمونه‌هایی از طرح‌های آموزش و پرورش می‌باشند (ملکی، ۱۳۹۲).

۲. برنامه‌ریزی نیروی انسانی

برنامه‌ریزی نیروی انسانی شامل برنامه‌ریزی برای تربیت عموم کارکنان است، از کارگران نیمه ماهر و ماهر گرفته تا تکنسین‌ها، مهندسان، دکترها، معلمان و استادان و سایر متخصصان. برنامه‌ریزی نیروی انسانی مستقیماً با برنامه‌ریزی اقتصادی مربوط است؛ زیرا هدف آن تربیت افرادی است که باید چرخ‌های اقتصاد کشور را به حرکت درآورند. به‌طور کلی، برنامه‌ریزی نیروی انسانی بیشتر به آن جنبه آموزش و پرورش تکیه می‌کند که به تربیت افراد برای دنیای کار می‌پردازد و با ابعاد دیگر آموزش و پرورش از قبیل پرورش اجتماعی، فردی و هنری، مستقیماً سروکار ندارد (همان، ۱۳۹۲).

۳. برنامه‌ریزی درسی

برنامه‌ریزی درسی به یادگیری و طراحی عناصر و عوامل مختلف آن‌ها مربوط می‌شود. فرایند یادگیری با عوامل گوناگون ارتباط دارد که هر یک از آن‌ها در جریان و چگونگی یادگیری مؤثر است. استعدادها و توانایی‌های فراگیرنده، محتوای برنامه درسی، نقش معلم، ارتباط متقابل دانش‌آموزان، فضای یادگیری و وسایل آموزشی هر کدام به‌نوعی در یادگیری مؤثر هستند. این عوامل باید به‌صورت یک مجموعه به‌هم پیوسته عمل کنند و هر عامل جزئی از کل محسوب شود. مجموعه قواعد و ضوابطی که به همه عوامل و عناصر یادگیری منطبق و سازمان می‌دهد و به فعالیت‌های یادگیری نظم می‌بخشد برنامه درسی است (ملکی، ۱۳۹۳).

برنامه‌ریزی درسی: آفریند سازمان‌دهی سلسله فعالیت‌ها و اقدامات لازم در حیطه آموزشی و پرورشی و پیش‌بینی فرصت‌های یادگیری، برای جمعیتی مشخص، به‌منظور فراهم کردن زمینه‌های لازم برای ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرندگان و نیل به آرمان‌ها و هدف‌های معین آموزش و پرورش که دانش‌آموزان تحت رهبری و هدایت معلم، معمولاً در مدرسه یا مراکز آموزشی و گاهی خارج از آن، باید انجام دهند.

ازنقطه‌نظر یادگیری، می‌توان مفهوم برنامه‌ریزی درسی را توضیح داد. در واقع یادگیری برآیند نهایی و تأثیر متقابل بسیاری از عوامل آموزش و پرورش از جمله محتوای آموزشی، روش‌های تدریس، ویژگی‌های دانش‌آموزان، ابزار و وسایل آموزشی، جو حاکم بر کلاس، سنجش و

اندازه‌گیری تحصیلی و ... می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که یادگیری، متغیری مرکب و پیچیده بوده که تحقق صحیح و کامل آن مستلزم هماهنگی و برنامه‌ریزی‌های دقیق و حساب‌شده‌ای است. برنامه‌ریزی درسی انجام این هماهنگی‌ها و پیش‌بینی‌ها را بر عهده داشته و سعی می‌کند مؤثرترین طرح‌های اجرایی را برای آسان نمودن جریان یادگیری فراهم سازد (وکیلیان، ۱۳۸۶).

تعاریف مختلف برنامه درسی

برنامه درسی به‌عنوان قلب نظام تعلیم و تربیت در طول تاریخ همواره موردعلاقه و مطالعه سیاستمداران، دست‌اندرکاران و متولیان تعلیم و تربیت، متخصصان حوزه تعلیم و تربیت، معلمان و والدین بوده است (ادیب منش، ۱۳۹۳)

یک از زمینه‌هایی که می‌تواند در فهم تحولات رشته برنامه درسی نقش ایفا کند و بیانگر دگرگونی تمام‌عیار در برداشت از برنامه درسی باشد، تعریف مفهوم برنامه درسی است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۶). از نظر مفهومی درباره برنامه درسی، تعریف واحدی موردتوافق نیست. هر یک از صاحب‌نظران برنامه درسی با توجه به برداشت خود از ماهیت فراگیر و برنامه درسی تعریف ویژه‌ای از برنامه درسی ارائه می‌دهند (ملکی، ۱۳۹۳). بر طبق نظر پورتری^۱ (۱۹۸۷) بیش از ۱۲۰ تعریف برای برنامه درسی از طرف متخصصان این حوزه ارائه‌شده است (مارش و ویلیس^۲ ۱۳۹۷)؛ که به تعدادی از تعاریف اشاره می‌شود:

واژه برنامه درسی یا Curriculum از ریشه لاتین Race Course و به معنای میدان مسابقه و یا فاصله و مقدار راهی است که افراد باید طی کنند تا به هدف موردنظر دست یابند. از لحاظ تاریخی نیز مفهوم میدان مسابقه یا رقابت در نظام آموزش مدرسه‌ای دارای بار معنایی خاصی است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۶)

برنامه درسی^۲ یک "دیدگاه"^۳ و وابسته به این است که در چه نوع جامعه‌ای به آن نیاز است. (ویلیامسون و پیتون^۴، ۲۰۰۹) لویس^۵ (۲۰۰۸)، برنامه درسی را "آنچه از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که بدانند و قادر به انجام آن باشند"، تعریف کرده است. بسیاری متخصصان تعریف متفاوت از برنامه درسی دارند (کرافورد^۶، ۲۰۱۱؛ جاکوبز^۷، ۲۰۱۰؛ پینار^۸، ۲۰۱۲؛ اشمیت و همکاران^۹، ۲۰۰۱؛ سلیمان^{۱۰}، ۲۰۰۹؛ ویلیامسون و پایتون^{۱۱}، ۲۰۰۹) اگرچه برنامه‌ریزی درسی^۱ از آغاز آموزش رسمی، در مدارس به‌سوی یک حرکت استاندارد تغییر کرده است (لانگا و یوست^{۱۲}، ۲۰۰۶)، اما بسیاری از نظریه‌پردازان (دارلینگ - هاموند^{۱۳}، ۲۰۱۳؛ اوایی سی دی^{۱۴}، ۲۰۱۴). استدلال کردند که تغییر بیشتری لازم است. نتایج

2	Portelli	1
2	Curriculum	2
2	vision	3
2	Williamson & Payton	4
2	Levin	5
6	Crawford	6
2	Jacobs	7
2	Pinar	8
2	Schmidt et al	9
3	Solomon	0
3	curriculum development	1
3	Langa & Yost	2
3	Darling-Hammond	3
3	OECD	4

بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد برنامه درسی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد (فلچر، ۲۰۰۹؛ لوتر و همکاران، ۲۰۰۵؛ اشمیت و همکاران، ۲۰۰۱)

در تعریف برنامه درسی جاکوبز (۲۰۱۰) و پاینار (۲۰۱۲) به اهمیت شناخت آنچه در گذشته به دانش‌آموزان تدریس شده و آنچه برای موفقیت در آینده برای دانش‌آموزان نیاز است اشاره کرده‌اند. جاکوبز (۲۰۱۰) معتقد است اگر برنامه درسی به‌روز نشود و دانش‌آموزان باور داشته باشند، برنامه درسی بازتابی از دنیای گذشته است که آن‌ها نمی‌شناسند، انگیزه یادگیری کاهش می‌یابد. پاینار (۲۰۱۲) اثبات کرد برنامه درسی یک "گفتگوی پیچیده"^{۳۳} است؛ یعنی نه تنها کسانی که درون کلاس مستقر هستند بلکه همه کسانی که در آموزش مشارکت می‌کنند در این گفت‌وگو شرکت می‌کنند. وی همچنین توضیح داد باگذشت زمان، گفتگو بهتر می‌شود و اظهار داشت، "برنامه درسی... [یک] گفتگوی پیچیده بین معلم‌ها و دانش‌آموزان درباره گذشته و معنای آن برای زمان حال" است.

پاینار (۲۰۱۲) و جاکوبز (۲۰۱۰) نقش دانش‌آموزان در برنامه درسی را مشخص کردند و ارزش برنامه درسی را این‌گونه معرفی کردند که نسل‌های گذشته را به نسل‌های آینده متصل می‌کند. برخی کارشناسان ادعا می‌کنند برنامه درسی باید آن‌گونه که نوشته شده است، تعریف شود. کرافورد و اشمیت معتقدند برنامه درسی مفهومی مبهم است و افراد مختلف می‌توانند تعاریف بسیاری را به کار بگیرند و مقوله بسیار عظیمی است که هر تحلیل برنامه درسی فقط به بخشی از آن می‌پردازد؛ بنابراین، در برنامه درسی، توجه به شواهد ملموس، بسیار مهم است (کرافورد، ۲۰۱۲؛ اشمیت و همکاران، ۲۰۰۱).

کرافورد (۲۰۱۲) اظهار داشت: "یک برنامه درسی به‌عنوان یک سند تعریف می‌شود که به‌راحتی قابل دسترس است و برای کل جامعه آموزشی قابل درک و فهم است و انتظارات یادگیری مبتنی بر استانداردها برای یک سال تحصیلی را به‌وضوح بیان می‌کند و رئوس مطالب علمی در همان سال تحصیلی را ارائه می‌دهد". اشمیت و همکاران (۲۰۰۱) هنگام تعریف برنامه درسی، مستقیماً بر مواد و منابع آموزشی تمرکز دارند و اظهار داشتند، "ما می‌توانیم به‌جای خود برنامه درسی، آثار و اثرات برنامه درسی را ببینیم".

کرافورد (۲۰۱۲) و اشمیت و همکاران (۲۰۰۱) معتقدند تعریف برنامه درسی یعنی توجه به شواهد عینی و قابل ملموس است. دیدگاه دیگر در مورد تعریف برنامه درسی این است که برنامه درسی فقط چیزی نیست که نوشته شده است و شامل آنچه در کلاس ارائه می‌شود است (جاکوبز، ۲۰۱۰؛ سلیمان، ۲۰۰۳)

سلیمان (۲۰۰۳) "برنامه درسی مکتوب"^{۳۴} را این‌گونه تعریف کرد، برنامه درسی مکتوب توسط بسیاری از افراد شکل گرفته و نوشته شده است. بااین‌حال، "تصمیمات اتخاذشده برنامه‌ریزی شده و تصمیمات بدون برنامه‌ریزی و اقدامات معلم‌ها در کلاس‌های آموزشی (با برنامه درسی مکتوب و موارد دیگر در نظر گرفته شده) به‌عنوان برنامه درسی قصد شده^{۳۵} که در اصل، تمرین در کلاس است".

برنامه‌ریزی درسی، فرایند تبدیل کردن یا تغییر شکل دادن آرمان‌ها و انگاره‌های تعلیم و تربیت به برنامه‌هایی است که به شکل مؤثری به تحقق چشم‌انداز آغازگر این فرایند منجر خواهد شد. برنامه‌ریزی درسی در بافت تعلیم و تربیت، به معنای موردنظر، فرایندی است که در تعقیب تحقق برخی چیزهای غیرقابل بیان است (عصاره، ۱۳۹۸). در این صورت دانش برنامه درسی ناظر بر این فعالیت است. از دید آیزنر برنامه درسی یک

³ Fletcher	5
³ Lauer, et al	6
³ Complicated conversation	7
³ Written curriculum	8
³ Enacted curriculum	9

مدرسه یا یک درس را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از رویدادهای پیش‌بینی‌شده دانست که به‌قصد دستیابی به نتایج آموزشی-پرورشی برای یک یا بیش از یک دانش‌آموز در نظر گرفته شده است (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۹۶).

برنامه‌ریزی درسی عبارت از پیش‌بینی و تهیه مجموعه فرصت‌های یادگیری برای جمعیتی مشخص به‌منظور نیل به آرمان‌ها و هدف‌های آموزش و پرورش است که معمولاً در مدرسه انجام می‌گیرد. به این اعتبار، برنامه‌های درسی شامل چهارعنصر اساسی: (۱) هدف‌های کلی، جزئی، عینی؛ (۲) طرح‌ها؛ (۳) اجرا و (۴) ارزشیابی است (تقی پور، ۱۳۹۱).

جدول ۱-۱- تعاریف برنامه درسی از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف (الیوا؛ ۲۰۱۰^۴، به نقل از اسمی، ۱۳۹۳)

صاحب‌نظر	تعریف
بایبیت ^۱ (۱۹۱۸)	کارهای انجام‌شده به‌وسیله کودکان و نوجوانان، از طریق رشد توانایی‌هایشان در انجام دادن امور و تجربه فعالیت‌ها و باهدف تلاش برای ساختن زندگی بزرگ‌سالی در همه‌ی جنبه‌های آن.
کازول ^۲ (۱۹۳۵)	همه تجاربی که فراگیران تحت راهنمایی معلم کسب می‌کنند
جانسون ^۳ (۱۹۶۷)	یک سری نتایج یادگیری قصد شده دارای ساختار
سیلور و الکساندر و لوئیز (۱۹۸۱)	طرحی در جهت تدارک مجموعه‌ای از فرصت‌های یادگیری برای افراد به‌منظور آموزش
دال (۱۹۹۶)	محتوای رسمی و غیررسمی و فرآیندی که فراگیران دانش، فهم، رشد مهارت‌ها، تغییر نگرش‌ها و درک ارزش‌ها را تحت حمایت آن از مدرسه کسب می‌کنند.
سوول (۱۹۹۶)	آنچه باید به دانش‌آموزان تدریس شود، شامل اطلاعات قصد شده و اطلاعات قصد نشده، مهارت‌ها و نگرش‌هاست.
پاینار، رینولد، اسلاتری و تابمن (۱۹۹۶)	برنامه درسی را به‌عنوان "بازنمایی نمادین" تعریف کرده‌اند و بازنمایی نمادین اشاره به فعالیت‌های نهادی و پراکنده، ساختارها، تصورات و تجاربی دارد که می‌تواند شناسایی و به شیوه‌های مختلف یعنی به لحاظ سیاسی، نژادی، خود شرح‌حال‌نویسی، پدیدار شناختی، اعتقادی، بین‌المللی و برحسب جنسیت و بدون ساختار تحلیل شود.
کلیبارد (۱۹۹۸)	آنچه ما برنامه درسی می‌نامیم واقعاً تجمع و تلفیق نظریه‌ها و عمل متناقض است.

0 Oliva 0
1 Bobbitt 1
2 Caswell 2
3 Johnson 3

تتر و تتر (۲۰۰۷)	برنامه درسی به‌عنوان بازسازی دانش و تجاری است که فراگیران را قادر می‌سازد تا در اثر تمرین، ذهن خود را رشد دهند و دانش موضوعی و تجربه خود را کنترل نمایند.
وایلز و باندی ^۴ (۲۰۰۷)	برنامه درسی یک هدف مطلوب یا مجموعه‌ای از ارزش‌هایی است که می‌توانند از طریق یک فرآیند رو به رشد فعال شوند و منجر به تجارب برای دانش‌آموزان گردند.
اولیوا (۲۰۱۰)	یک نقشه برای تجارب یادگیری تلقی می‌کند که فراگیران با راهنمایی مدرسه با آن مواجه می‌شوند که هدف آن فراهم کردن ابزار برای نظم بخشیدن و هدایت آن تجارب است.

هیلتا تابا معتقد است برنامه درسی برنامه‌ای است برای یادگیری و فرآیند برنامه‌ریزی درسی مستلزم پیمودن مراحل نظیر سنجش نیازها، تدوین هدف‌ها، انتخاب و سازمان‌دهی محتوا و نیز تجربیات یادگیری، اجرا و ارزشیابی است. برنامه درسی طراحی نقشه یادگیری است و در عرصه یادگیری باتجربه و عمل پیوندی محکم دارد. "به مجموعه فعالیت‌های منظمی که از تعیین هدف شروع و با انتخاب روش‌ها و وسایل متناسب باهدف ادامه پیدا کرده و سپس به اجرا درآمده و ارزشیابی می‌گردد برنامه‌ریزی گفته می‌شود. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی عبارت است از طرح‌ریزی برای دستیابی به هدف معین" (ملکی، ۱۳۹۳)

مهر محمدی (۱۳۹۳) باهدف توجه به گونه‌گونی عناصری که برای برنامه درسی در نظر گرفته می‌شود به منتخبی از تعاریف پرداخته است: اسمیت، استنلی و شورز (۱۹۵۷) زنجیره‌ای از تجارب بالقوه استقرار یافته در مدرسه باهدف تربیت یا تأدیب کودکان و جوانان در شیوه‌های تفکر و عمل گروهی دانکن و فرای مایر (۱۹۶۷) مجموعه‌ای از وقایع؛ خواه پیشنهادشده، در حال وقوع یا واقع‌شده؛ که از ظرفیت بالقوه بازسازی تجربه انسانی برخوردار است.

شیور و برلک (۱۰۶۸) موقعیت‌ها و فعالیت‌های طرح ریزی شده‌ای که توسط معلم به اجرا گذاشته می‌شود تا بر یادگیری دانش‌آموز اثر بگذارد تتر و تتر (۱۹۷۰) فعالیت‌های یادگیری قصد شده که توسط مدرسه به اجرا گذاشته می‌شود.

اسمیت و اورلوفسکی (۱۹۷۸) محتوایی که از دانش‌آموزان انتظار می‌رود فراگیرند. واکر (۲۰۰۳) شیوه‌ای خاص از نظم بخشیدن به محتوا و اهداف برای یاددهی و یادگیری در مدارس

به‌طور کلی تعاریف ارائه‌شده از برنامه درسی را می‌توان از دو جنبه اساسی موردبررسی قرارداد:

۱. تأکید بر اهداف و غایات در مقابل تأکید بر وسایل
۲. تأکید بر عامل درونی (یادگیرنده) در مقابل تأکید بر عامل بیرونی (محیط) و... (مهر محمدی، ۱۳۹۳)

اصطلاح برنامه درسی به منظورهای گوناگونی به کار برده شده است از جمله به عنوان برنامه‌ای برای یک موضوع درسی خاص در یک پایه تحصیلی مشخص، در طول یک دوره تحصیلی، یا به عنوان برنامه موضوع‌های مختلف درسی در طول یک دوره تحصیلی می‌باشد (مهرمحمدی، ۱۳۸۱)

فرانکلین بابت^۵ نخستین کسی بود که موضوع برنامه‌ریزی درسی را مطرح کرد و در سال ۱۹۸۸ با نوشتن کتاب برنامه‌ریزی درسی برافزایش کارایی و صرفه اقتصادی برنامه‌های درسی تأکید کرد (پاینار، رینولدز، اسلاتری^۴ و توبمن^۴؛ ۱۹۹۵)

همچنین برنامه درسی می‌تواند به طور گسترده در ارتباط با تجارب یادگیرنده، تعریف شود. این دیدگاه هر امری در مدرسه و حتی خارج از مدرسه را به عنوان بخشی از برنامه درسی مورد توجه قرار می‌دهد. با این وجود در بسیاری از موارد برنامه درسی از فهرستی از هدف‌های آموزشی و مطالبی که در مدارس باید تدریس شود تجاوز نمی‌کند؛ در سال‌های اخیر مفهوم برنامه درسی گسترش یافته است تا آنجا که برنامه تفصیلی کلیه فعالیت‌های یادگیری یادگیرنده، انواع وسایل آموزشی، پیشنهادهایی در مورد راهبردهای یاددهی - یادگیری و شرایط اجرای برنامه را شامل شده است (داوودی، ۱۳۷۸)

ادری و نیکلس در سال ۲۰۰۰ مفهوم برنامه درسی را در چهار محور زیر شرح داده‌اند:

۱. فراهم آوردن تمام منابع دانش موجود و داوری‌های بصیرانه در مورد اهداف تدریس، چه در مورد دروس یک موضوع خاص یا در مورد برنامه درسی به طور کلی و بررسی دقیق آن‌ها.
۲. تهیه و امتحان آن روش‌ها و مواد آموزشی بکار رفته در مدارس که قضاوت می‌شود بالاترین احتمال دستیابی به هدف‌هایی دارند که معلمان در مورد آن‌ها توافق کرده‌اند.
۳. ارزیابی میزانی که کار برنامه‌ریزی شده در واقع به هدف‌هایش رسیده، همچنین ممکن است انتظار رود که این قسمت از مرحله، افکار جدیدی در مورد خود اهداف برانگیزاند.
۴. بنابراین عنصر نهایی، بازخورد به دست آمده از تمام تجربیات است تا نقطه شروعی برای مطالعات بیشتر فراهم شود.

امروزه مفهوم برنامه درسی وسیع‌تر از تهیه و تدوین رئوس مطالب درسی است و آن عبارت است از پیش‌بینی کلیه فعالیت‌هایی است که دانش‌آموز تحت رهبری و هدایت معلم در مدرسه (و گاهی خارج از آن) برای رسیدن به هدف‌های مشخص باید انجام گیرد (داوودی، ۱۳۷۸).

معمولاً برنامه‌های درسی از عناصری تشکیل شده‌اند که ترکیب و هماهنگی مناسب آن‌ها در کنار یکدیگر موفقیت یک برنامه درسی را تضمین می‌کند. در اینجا به مواردی اشاره می‌شود که می‌توانند به عنوان عناصر کلیدی در هر برنامه درسی مدنظر قرار گیرند (مهرمحمدی، ۱۳۸۱).

درباره برنامه درسی تعاریف متعددی ارائه شده است. تعاریفی که بوشامپ (به نقل از شورت، ۱۳۹۸) آن‌ها را به سه دسته برنامه درسی به عنوان یک سند مکتوب، برنامه درسی به عنوان یک نظام و برنامه درسی به عنوان یک قلمرو معرفتی تقسیم کرده است. برنامه درسی به عنوان یک

⁵ Franklin Bobbitt	5
⁴ Pinar	6
⁴ Reynolds	7
⁴ Slattery	8
⁴ Taubman	9
⁰ Short, Edmund C	0

نظام، دربرگیرنده نظامی انسانی شامل ابعاد فرایند تدوین برنامه درسی، اجرا و ارزشیابی است؛ و برنامه درسی به عنوان قلمرو معرفتی شامل حدود و ثغور برنامه درسی و تبیین مسائل و موضوعهای بحث و تجزیه و تحلیل شده در آن است؛ اما برنامه درسی به عنوان یک سند از یک تعریف یکسان نداشته و تعاریف متعدد برنامه درسی نیز به این بخش مربوط می شود. تعاریفی که گستردگی آن ها سبب مواجهه این حوزه معرفتی با بحران "چیستی" شده است (گودلد^۱ نقل از شورت، ۱۳۹۸) برخی از برداشتها و تعاریف ارائه شده برای برنامه درسی به عنوان سند به شرح جدول است:

جدول ۱-۳- معنی و مفهوم برنامه درسی (حسینی، ۱۳۹۷)

برداشت - برنامه درسی به عنوان	تعریف - برنامه درسی عبارت است از:
مجموعه‌ای از دروس یا مواد درسی یا آنچه در مدرسه آموزش داده می‌شود (لوی، ۱۹۲۳)	برنامه‌ای که در آن فهرست موضوعات مختلف درسی به تفکیک تعیین و تصریح شد است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۶)
فهرست رئوس مطالب	موضوعات و مواد درسی که باید توسط معلم تدریس و توسط فراگیران آموخته شود (سیلور و دیگران، ۱۳۷۶)
محتوای یک درس یا مجموعه‌ای از دروس	از سرفصل‌ها و رئوس اصلی مطالب برای یک درس خاص (همان)
	یک برنامه کلی و عمومی مرتبط با محتوای آموزشی که توسط مدارس به دانش‌آموزان ارائه می‌شود تا در سایه آن یادگیرندگانی توانا، برخوردار از صلاحیت‌های لازم و آماده برای ورود به حوزه‌ای فنی و حرفه‌ای شوند (گود، به نقل از فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۶)
	یک سلسله وقایع آموزشی طراحی شده که به قصد تحقق نتایج آموزشی برای یک یا چند دانش‌آموز پیش‌بینی شده است (آیزنر، به نقل از شورت، ۱۳۹۸)
	محتوا و جریان رسمی و غیررسمی که از طریق آن فراگیر معلومات و روش فهمیدن را تحت نظارت مدرسه کسب می‌کند، مهارت‌ها را فرامی‌گیرد و نگرش و ارزش‌گذاری و ارزش‌ها را تغییر می‌دهد (دال ^۲ ، نقل از ملک، ۱۳۹۳)
برنامه زمانی برای تدریس دروس	جدول زمانی تدریس دروس در هفته توسط معلمان (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۶)
مجموعه‌ای از اهداف و مقاصد	مجموعه‌ای از مقاصد درباره فرصت‌های اشتغال افراد تحت تعلیم با افراد دیگر و یا اشیاء در محدوده زمانی و مکانی معین (لوئیس و میل، به نقل از سیلور و دیگران، ۱۳۷۶)
مجموعه‌ای	تجربیات یادگیری طرح‌ریزی شده و هدایت‌شده تحت نظارت مدرسه، برای بازسازی منطقی معرفت و تجربه به منظور رشد دائمی یادگیرنده در زمینه شخصی و اجتماعی تدوین شده است (تتر و تتر، به نقل

1 Goodlad

1

2 Doll

2

از تجارب یادگیری	ازملکی، (۱۳۹۳) تنظیم تجربیات مهم که در مدارس برای عادت دادن کودکان و نوجوانان به فکر کردن و عمل کردن گروهی در نظر گرفته شده و اجرا می شود (اسمیت، استانی و شورز، به نقل از ملکی، ۱۳۸۰) نقشه یا چارت تجاری که انتظار می رود دانش آموزان آن را آموخته و در موقعیت های واقعی زندگی به کار ببرند (اسکیل بک، ۱۹۹۴). ترکیبی از تجربیاتی که کودکان تحت راهنمایی و نظارت معلمان به دست می آورند (کازول و کمپ بل، به نقل از ملکی، ۱۳۸۰). تجربه های یادگیری دانش آموزان (شورت، ۱۳۹۸)
شیوه تفکر	وسيله ای برای تفکر درباره مسائل مختلف، تجربیات بشر و فرایندهای تفکر (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۶)
یک طرح	طرح و نقشه ای که در آن فرصت های مناسب برای یادگیری دانش آموزان، برای رسیدن به اهداف کلی و جزئی فراهم شده است (سیلور، الکساندر و لوئیس، ۱۳۷۶) برنامه تدوین شد برای هدایت یادگیری در مدارس، اجرای این برنامه ها در کلاس های درسی و آن دسته از تجارب یادگیری رخ داده در محیط های یادگیری که آنچه یاد گرفته می شود را تحت تأثیر قرار می دهند (گلاتهورن، ۱۹۸۴)

مدل واکاوی مفهوم برنامه درسی - واکر و آوانت

³ Skilbeck, M

3

⁴ Glatthorn

4

سطح ماکرو - (Macro) کلان (نظام)	ملی، منطقه ای، شهری و یاددهی منابع ملی؛ درسی برنامه در مصوب؛ یادگیری
میانی (مزو- سطح (Meso) سازمان)	وزارت آموزش و پرورش تدوین شده درسی برنامه
میکرو سطح (Micro) کوچک (محیط یادگیری)	محیط یادگیری مدرسه، کلاس /مواد درس یک برای آموزش برنامه یادگیری و یاددهی



منابع

- آیت‌اللهی، علی‌رضا (۱۳۷۷). اصول برنامه‌ریزی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- اخوت، احمدرضا و شهیدزاده، سارا (۱۳۹۰). مبانی و مهارت‌های برنامه‌ریزی. قم: کتاب فردا.
- ادیب‌منش، مرزبان (۱۳۹۳). مبانی برنامه ریزی درسی. مشهد: ارسطو.
- اسمی، کرامت (۱۳۹۳). طراحی چارچوب برنامه درسی کارآفرینی و ارزیابی برنامه درسی رشته های کارشناسی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی و آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستان از منظر آن. رساله دکتری در رشته برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- افشاری، زهرا (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی اقتصادی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- ایران نژاد پاریزی، مهدی و ساسان گهر، پرویز (۱۳۹۰). سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل. تهران: موسسه عالی آموزش بانکداری ایران.
- پروند، محمدحسن (۱۳۸۸). مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. تهران: شیوه
- تایلر، رالف وینفرد (۱۳۹۶). اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی. ترجمه علی تقی‌پور ظهیر. تهران: آگه.
- تراواتا، رابرت و نیوپورت، جین (۱۳۷۴). اصول مدیریت و رفتار سازمانی. ترجمه عین‌اله علاء، تهران: انتشارات زوار.
- تقی‌پور ظهیر، علی (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. تهران: آگه.
- حاج یوسفی، علی (۱۳۹۴). سیر تاریخی پیدایش و تحول برنامه‌ریزی اجتماعی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۴ (۲)، ۵۰-۵۹.
- حسینی، سید محمدحسین (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل تغییرات برنامه‌های درسی دوره‌های تحصیلی عمومی و متوسطه نظام آموزشی ایران در نیم‌قرن اخیر. طرح پژوهشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
- داوودی، محمد (۱۳۷۸). برنامه‌ریزی درسی پنهان. فصلنامه‌ی حوزه و دانشگاه، ۱۹.
- دسلر، گری (۱۳۸۹). مبانی مدیریت منابع انسانی. ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سازمان توسعه تجارت (۱۳۹۳). تعاریف برنامه و اجزای آن. سند منتشر نشده وزارت صنعت، معدن و تجارت سازمان توسعه تجارت دفتر برنامه ریزی تجاری گروه برنامه ریزی، توسعه و تلفیق راهبردهای تجاری. بازیابی از سایت http://www.tpo.ir/uploads/PLANNING-93_7043pdf
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش.
- شورت، ادmond سی (۱۳۹۸). روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی. ترجمه محمود مهرمحمدی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیر خانه شورای عالی آموزش و پرورش.

صادقی شاهدانی، مهدی و قویدل، عادل (۱۳۹۶) برنامه‌ریزی اقتصادی مبانی، اصول و روش‌ها. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

عصاره، علیرضا (۱۳۹۸). معرفی دیدگاه آیزنر. مقاله دانشنامه ایرانی برنامه درسی به نشانی الکترونیکی <http://daneshnamehicsa.ir>

فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۹۶). برنامه درسی چیست؟. تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.

فیضی، طاهره، (۱۳۹۲). مبانی مدیریت دولتی (رشته مدیریت دولتی). تهران: دانشگاه پیام نور.

فیوضات، یحیی (۱۳۸۸). مبانی برنامه‌ریزی آموزشی. تهران: ویرایش.

مارش، کالین ج.؛ ویلیس، جرج (۱۳۹۷). مبانی نظری و عملی برنامه‌ریزی درسی. ترجمه سیداحمد مدنی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

محسن پور، بهرام (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی آموزشی. تهران: انتشارات مدرسه.

محمدی، علی (۱۳۹۶). سازمان و مدیریت (اصول مدیریت) تهران: هادیان.

ملکی، حسن (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). مشهد: پیام اندیشه.

ملکی، حسن (۱۳۹۲). مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۲). تاملی بر مقوله تولید و تدوین برنامه درسی با تاکید بر اندیشه آیزنر: ماموریت منسوخ یا معتبر در رشته برنامه درسی؟. نشریه رویکردهای نوین آموزشی، ۱۸(۱)، ۱-۲۰.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۷). برنامه درسی نظرگاهها، رویکردها و چشم‌اندازها. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

موسی پور، نعمت اله (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی درسی در ایران معاصر. تعلیم و تربیت. ۴(۹۶)، ۵۳-۱۲۴.

نوروززاده، رضا؛ محمدی، رضا، فتحی واجارگاه، کورش و نوه ابراهیم، عبدالرحیم (۱۳۸۵). وضعیت سهم مشارکت دانشگاه ها در بازنگری برنامه ی درسی مصوب شورای عالی برنامه ریزی درسی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. ۴(۴۲)، ۷۱-۹۳.

نویدادهم، مهدی؛ دلاور، علی و عابدینی، احمد (۱۳۹۳). واژه‌نامه تخصصی (ترمینولوژی) آموزش و پرورش. ویراستاران سید اسماعیل هاشمی، حمیدرضا عابدینی. تهران: سادس.

وکیلان، منوچهر (۱۳۸۶). مبانی برنامه ریزی درسی. ویراستار منبژه کرباسی. همدان: فراگیر هگمتانه.

ویسی، غلامرضا؛ باقی نصرآبادی، علی (۱۳۸۳) درآمدی بر برنامه‌ریزی آموزشی. نشریه مربیان. شماره ۱۱.

References:

- Cambridge University Press(2020). Cambridge online dictionary available at: <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/plan>.
- Crawford, J. (2011). *Aligning your curriculum to the common core state standards*. Corwin Press.
- Chinn PL, Kramer MK. (1983). (Theory and Nursing: a systematic approach. *American Journal of Nursing*;83(10):1504
- Darling-Hammond, L. (2010). New policies for 21st century demands. *21st century skills: Rethinking how students learn*, 33-49.
- Dawson,Catherine(2020) *A–Z of Digital Research Methods*. New York:Routledge.
- Davey T., Plewa C. and Struwing M. (2011). Entrepreneurship perceptions and career intentions of international students. *Edu. Training*. (53):335-352.
- Dictionaries, O. (2020). Oxford online dictionary. Retrieved May, 17, 2020 Website:<https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/teacher?q=teacher>
- Fidian, A., & Supriani, N. (2018). Conformity of English Textbooks for Seventh Grade with Curriculum 2013. *Journal of English Language and Pedagogy*, 1(1). Website: <http://jurnal.ustjogja.ac.id/index.php/ELP>.
- Fletcher, E.C., Jr., (2009). *The relationship of high school curriculum tracks to degree attainment and occupational earnings* (Doctoral dissertation, Ohio State University). Retrieved from <http://etd.ohiolink.edu/sendpdf.cgi/FletcherEdwardCharlesJr.pdf?osu1242157049>
- Garnett, A., Ploeg, J., Markle-Reid, M., & Strachan, P. H. (2018). Self-management of multiple chronic conditions by community-dwelling older adults: A concept analysis. *SAGE Open Nursing*, 4, 2377960817752471.
- Gol-Guven, M. (2009). Evaluation of the quality of early childhood classrooms in Turkey. *Early Child Development and Care*, 179(4), 437-451.
- Hume, A., & Coll, R. (2010). Authentic student inquiry: the mismatch between the intended curriculum and the student experienced curriculum. *Research in Science & Technological Education*, 28(1), 43-62.
- Jacobs, H. H. (2010). *Curriculum 21: Essential education for a changing world*. ASCD.
- Langa, M. A., & Yost, J. L. (2006). *Curriculum mapping for differentiated instruction, K-8*. Corwin Press.
- Lauer, P. A., Snow, D., Martin-Glenn, M., Van Buhler, R. J., Stoutemyer, K., & Snow-Renner, R. (2005). *The Influence of Standards on K-12 Teaching and Student Learning: A Research Synthesis*. Mid-Continent Research for Education and Learning (McREL). Retrieved from www.mcrel.org/pdf/syntesis/5052_RSInfluenceofStandards.pdf.
- Levin, B. (2008). Curriculum policy and the politics of what should be learned in schools. *The Sage handbook of curriculum and instruction*, 7-24.

- Lewy, Avieh. (1991). *The International Encyclopedia of curriculum*. Oxford: Pergamon. press. of Chicago Press.
- Makaiau, Amber Strong (2015). *The Philosophy for Children Hawai'i Approach to Deliberative Pedagogy: A Promising Practice for Preparing Pre-Service Social Studies Teachers in the College of Education*. *Analytic teaching and philosophical praxis*, 36 (16).
- Mei, B., & Brown, G. T. (2018). *Conducting online surveys in China*. *Social Science Computer Review*, 36(6), 721-734.
- Merriam-Webster(2020) Merriam-Webster online dictionary. available at : <https://www.merriam-webster.com/dictionary/plan>
- Nevo, D. (1995). *School-based evaluation: A dialogue for school improvement*. New York, NY: Pergamon.
- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD) (2011). *Lessons from PISA for the United States, strong performers and successful reformers in education*. Retrieved from <http://www.pisa.oecd.org/dataoecd/32/50/46623978.pdf>
- Perreira, T. A., Perrier, L., Prokopy, M., Neves-Mera, L., & Persaud, D. D. (2019). *Physician engagement: a concept analysis*. *Journal of healthcare leadership*, 11, 101.
- Pinar, W. F. (2012). *What is curriculum theory?*. Routledge.
- Schmidt, W. H., McKnight, C. C., Houang, R. T., Wang, H., Wiley, D. E., Cogan, L. S., & Wolfe, R. G. (2001). *Why Schools Matter: A Cross-National Comparison of Curriculum and Learning*. The Jossey-Bass Education Series. Jossey-Bass, 989 Market Street, San Francisco, CA 94103-1741.
- Smith, B. E. (2017). *A Mixed-Methods Evaluation of Project Lead the Way Engineering Curriculum Goals within Missouri High Schools* (Doctoral dissertation, Lindenwood University).
- Solomon, P. G. (Ed.). (2009). *The curriculum bridge: From standards to actual classroom practice*. Corwin Press
- Walker, L. O., & Avant, K. C. (2011). *Strategies for theory construction in nursing*. Boston: Prentice Hall.
- Williamson, B., & Payton, S. (2009). *Curriculum and Teaching Innovation: Transforming Classroom Practice and Personalisation: a Handbook from Futurelab*. Futurela